

بررسی و آسیب‌شناسی ساختار تامین مالی اسلامی با هدف طراحی ساختار بهینه

نوع مقاله: کاربردی

توحید فیروزان سرنقی^۱

فرشید سپهوند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

چکیده

به منظور نیل به رشد اقتصادی، شبکه بانکی کشور بایستی تجهیز و تخصیص منابع را به روش بهینه انجام دهد. باوجود اینکه نظام بانکی کشور مطابق قانون بانکداری بدون ربا عمل کرده، ولی منتج به اهداف از پیش تعیین شده نشده است. هدف از پژوهش حاضر به دنبال این است که آیا امکان طراحی و اجرای ساختار مالی اسلامی بهینه در کشور وجود دارد و اینکه چه راه‌هایی برای بهبود ساختار مالی موجود در کشور می‌توان ارائه داد. با به کارگیری روش تطبیقی و باتوجه به مدل بانکداری اسلامی بیان شده که بر اساس هفت شاخصه زیرساخت حقوقی، چارچوب مقررات و نظارت نظام مالی، حاکمیت شرعی، زیرساخت نقدینگی، اطلاعات و شفافیت، حمایت از مصرف‌کننده و سرمایه‌انسانی و چارچوب توسعه دانش تعریف می‌شود، می‌توان دریافت که نظام بانکداری فعلی جهت حرکت به سمت نظام بانکداری بهینه باید بخش‌های سیستم توزیع اعتبار منضبط، زیرساخت اطلاعاتی جامع و حمایت از مصرف‌کنندگان و توسعه نیروی انسانی را ارتقاء دهد و به منظور توزیع بهینه منابع و پاسخ به نیازهای افراد و بنگاه‌ها از الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده استفاده نماید. الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده در قیاس با سایر الگوهای ارائه شده در تحقیقات گذشته به تمام نیازهای افراد و بنگاه‌های سرمایه‌گذار و اعتبارگیرندگان پاسخ داده و با توجه به زیرساخت‌های موجود قابلیت اجرایی شدن دارد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، ساختار مالی اسلامی، تجهیز و تخصیص منابع

طبقه‌بندی JEL: E42;E51;K12;K22;Z12

^۱ t.firoozan@khu.ac.ir

^۲ Farshid.sepahvand@yahoo.com

^۱ استادیار دانشگاه خوارزمی

^۲ کارشناس ارشد (نویسنده مسئول)

مقدمه

بخش مالی هر کشور عملگرهای مختلفی برای تسهیل کارایی اقتصاد و بهبود رشد اقتصادی دارد. از طرفی به منظور رشد اقتصادی، صنایع کشور بایستی آسیب‌پذیری خود را کاهش دهند. برای نیل به این هدف سازمان‌های بین‌المللی مختلفی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، کمیته بازل و غیره روی توسعه استانداردهای نهادی متنوع و ابزار و سیاست‌های لازم جهت ایجاد یک ساختار مالی کارا فعالیت می‌کنند. در کنار مقررات و نظارت محتاطانه‌ای که برای سیستم مالی تعریف شده است، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول زیرساخت‌های قانونی، ساختار نقدینگی نظام‌مند، زیرساخت‌های اطلاعاتی و حکمرانی، سیستم‌های تسویه وجوه و پرداخت، حقوق بستانکاران، مدیریت ریسک و سیستم گزارشگری را به عنوان نهادهای کلیدی برای توسعه و پایداری بخش مالی شناسایی کرده‌اند (احمدی، ۲۰۱۶). بعد از بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ برنامه‌های FSAP^۲ مورد بازبینی و تغییر قرار گرفت. این تغییرات به گونه‌ای بود که تمرکز بر ریسک سیستماتیک، بهبود ظرفیت‌های تحلیلی به منظور تخمین میزان آسیب‌پذیری و کیفیت سطح گزارش‌دهی FSSA^۳ را افزایش داد. FSAP برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور دو ویژگی اساسی را مشخص کرد: ارزیابی کردن پایداری مالی و ارزیابی توسعه مالی. عواملی که پایداری مالی در یک اقتصاد را نمایش می‌دهند تنها محدود به سلامت بانک‌ها و سایر نهادهای مالی نیست و شامل کیفیت نظارت بر بانک‌ها، بیمه‌ها و بازار سرمایه هم می‌شود. لذا می‌توان بیان کرد کیفیت چارچوب‌های قانونی و زیرساخت‌های مالی نشانه‌ی توسعه مالی در یک کشور هستند (IMF^۴, 2015).

IFSB^۵ در سال ۲۰۱۵ چندین پیش شرط برای برقراری موثر نظارت و مقررات به هدف پایداری نهادهای مالی اسلامی معرفی کرده است. این موارد شامل "سیاست‌های کلان اقتصادی سالم و پایدار، چارچوب‌های مالی مناسب برای اجرای سیاست‌های پایدارکننده، زیرساخت‌های عمومی توسعه یافته، چارچوب مشخص مدیریت بحران، سطح مناسب محافظت سیستماتیک و انضباط بازار" هست. نظام مالی دربرگیرنده بانک، بیمه، بورس و غیره می‌باشد ولی تمرکز پژوهش حاضر بر تامین مالی اسلامی از بانک است و از تجربه بانکداری اسلامی در داخل و مناطق دیگر استفاده خواهد شد. با توجه به تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است ساختار بانکداری در

^۱ Ahmad

^۲ Financial Sector Assessing Program

^۳ Financial Sector Stability Assessment

^۴ International Monetary Fund

^۵ Islamic Financial Service Board

کشور به گونه‌ای است که اجرای عقود اسلامی به درستی صورت نمی‌پذیرد (محسنی زنوزی و جلیلی، ۱۳۹۴) (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴). به رغم استفاده از تجربه‌های تامین مالی اسلامی، این تحقیق یک بحث نظری را در خصوص ساختار بانک‌ها یا موسسات تامین مالی اسلامی را دنبال می‌کند و به دنبال پاسخ به این سوال هست که یک بانک یا موسسه تامین مالی اسلامی برای اجرای درست عقود اسلامی چه ساختاری را باید از نظر شکلی، سازمانی و فرآیندی داشته باشد. لذا اهداف پژوهش حاضر شناسایی و معرفی عناصر ساختار مالی اسلامی، شناسایی کاستی‌های سیستم بانکداری اسلامی فعلی و ارائه راه حل برای آن و همچنین ارائه یک ساختار مناسب برای تجهیز و تخصیص منابع است. لازم به ذکر است که، چند طرح به صورت مقدماتی برای اصلاح ساختار بانکی ارائه شد که در حد مطالعه باقی مانده است. تحقیق حاضر با تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی و روش تطبیقی به دنبال مشخص کردن ویژگی‌های ساختاری فرآیندهایی هست که در قالب آن اجرای درست عقود اسلامی امکان‌پذیر باشد.

۱. پیشینه پژوهش

نظام بانکی کشور در سال ۱۳۶۲ به منظور اجرای احکام شرعی و ممنوعیت ربا در اسلام تغییر و تحولاتی را تجربه نمود و عقودمانند قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم جایگزین نظام بانکی رایج شد. نرخ سود با توجه به نوع عقد مشخص می‌شود. در عقود مبادله‌ای نرخ سود دریافتی یک رقم ثابت، ولی در عقود مشارکتی نرخ متغیر است. در نظام بانکداری فعلی که مطابق با قانون عملیات بانکداری بدون ربا است، تجهیز منابع از طریق سپرده قرض‌الحسنه جاری، سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد و تخصیص منابع از طرق اعطای وام قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای، قراردادهای مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم است. باوجوداین، به علت برخی مشکلات ساختاری، بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری فعال در کشور به روشی مشابه بانکداری متعارف اداره شده‌اند (غفاری، ۱۳۹۷). در مقابل، در دهه‌های اخیر متفکرین مسلمان، الگوهایی برای تجهیز و تخصیص منابع بانکی ارائه داده‌اند. بیشتر این الگوها با فقه اسلامی سازگاری و همخوانی دارد و عمده تفاوت آن‌ها در ترکیب استفاده از عقود اسلامی هست (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵). این الگوها عبارتند از الگوی شهید محمدباقر صدر، الگوی استفاده از عقود مبادله‌ای، الگوی استفاده از عقود مشارکتی، الگوی بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین و الگوی تفکیک بانک‌ها.

در الگوی شهید صدر بانک واسطه بین سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران در قرارداد مضاربه است (موسویان، ۱۳۸۵). طرفداران الگوی عقود مبادله‌ای با بیان این موضوع که اساساً بانک بایستی یک

نهاد ریسک‌گریز باشد عقیده دارند قراردادهای مشارکتی که ماهیتی ریسکی دارند نبایستی توسط بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرند (طالبی و کیانی، ۱۳۹۱)، در طرف مقابل پژوهشگرانی که به الگوی استفاده از عقود مشارکتی باور دارند، معتقد هستند که سود بایستی از فعالیت اقتصادی مولد حاصل و بین طرفین صاحب سرمایه و عامل تقسیم شود لذا عقود مبادله‌ای در این الگو جایگاهی ندارند (شعبانی و سیف‌لو، ۱۳۹۰) (اکبریان و استدلال، ۱۳۸۷) (اقبال و میرآخور، ۲۰۰۷). در الگوی مشارکت در سود و زیان راستین سپرده‌گذاران در واقع سهامداران بانک هستند و متناسب با حجم وجه نقد آورده و مدت زمان سپرده‌گذاری در سود یا زیان ایجاد شده حاصل از عملیات بانک، شریک هستند. در این الگو منابع از طریق انتشار گواهی مشارکت و گواهی پذیره جمع‌آوری شده و به صورت مشارکت در سود و زیان طرح خاص یا بسته طرح‌ها تخصیص داده می‌شوند (بیدآباد، ۱۳۹۴). برخی از پژوهشگران حوزه بانکی نیز عقیده دارند بر اساس عملکردهایی که از بانک انتظار می‌رود بایستی ساختارهای متفاوتی ایجاد شود، بدین منظور پیشنهاد داده‌اند عملیات بانکی از طریق سه نوع موسسه بانک قرض‌الحسنه، بانک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ صورت پذیرد (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹) (داودی و بیدار، ۱۳۹۰).

۲. ساختار مالی اسلامی

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۵) سه ستون برای ساختار سیستم مالی که باعث پایداری و توسعه بخش مالی می‌شود را مشخص کرده‌اند. ستون اول شامل نظارت محتاطانه و تحلیل پایداری مالی هست، ستون دوم در مورد قوانین و مقررات سیستم مالی هست و ستون سوم شامل زیرساخت‌های سیستم مالی از جمله، زیرساخت‌های قانونی، سیستم نقدشوندگی، زیرساخت‌های شفافیت و ساختار حکمرانی و اطلاعاتی است. بعضی از عناصر ساختار مالی هم در ساختار مالی متداول کاربرد دارند و هم در ساختار مالی اسلامی. این عناصر عبارتند از "سیاست‌های کلان اقتصادی سالم و پایدار"، "انضباط بازا"، "سیستم‌های پرداخت و تسویه مناسب" و غیره. باوجوداین، برخی ویژگی‌های هستند که ممکن است به وسیله سیستم مالی متداول پوشش داده نشوند و مخصوص سیستم مالی اسلامی باشند. این عناصر که مختص سیستم مالی اسلامی هستند در هفت گروه تقسیم‌بندی می‌شوند: زیرساخت‌های حقوقی، زیرساخت‌های مقرراتی و نظارتی، نظارت شرعی، نقدشوندگی، اطلاعات و شفافیت، حمایت از مصرف‌کننده (مشتریان) و توسعه سرمایه انسانی. در ادامه به شرح هر یک از این موارد پرداخته شده است (احمد، ۲۰۱۶).

۲-۱. زیرساخت حقوقی

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۵ سه عنصر اصلی زیرساخت‌های حقوقی برای بخش مالی معرفی کرده‌اند. اول از همه قوانینی هستند که چارچوب مقرراتی صنعت را مشخص می‌کنند. قوانینی که زیرمجموعه این دسته هستند شامل قوانین بانک مرکزی، قوانین بانکداری، قوانین مالیاتی و قوانین مربوط به امنیت شبکه هست. دسته‌ی دوم قوانینی هستند که فضای تجاری بانک را مشخص می‌کنند و شامل قوانین حکمرانی شرکتی، قراردادها، حمایت از مشتریان، حقوق سپرده‌گذاران و قوانین مربوط به ورشکستگی است. عنصر آخر، سیستم قضایی و قوانین مربوط به آن می‌باشد. یک سیستم قضایی با کارکرد مناسب ریسک‌های قانونی را کاهش می‌دهد و در صورت بروز اختلاف و ورشکستگی به طرفین راه حل ارائه می‌کند.

۲-۲. زیرساخت مقرراتی و نظارتی

در یک سیستم مالی که به خوبی کار می‌کند، به طور کلی، ناظران و تنظیم‌کننده‌ها به نمایندگی از جامعه عمل کرده و از منافع ذینفعان مختلف محافظت و ثبات را در کل سیستم مالی تضمین می‌کنند. یک چارچوب مقرراتی و نظارتی فعال، اجرای مقررات و قوانین، حمایت از حقوق مالکیت، ثبات بخش مالی، حمایت از مصرف‌کننده، و عادلانه بودن و کارایی بازارها را تضمین خواهد کرد. پیچیدگی و پویایی محصولات و بازارهای مالی مدرن، خود مقررات را پیچیده و چند بعدی می‌کند و مقررات نامناسب می‌تواند خطرات و آسیب‌های پرهزینه‌ای به سیستم اقتصادی وارد کند. اگر رژیم‌های قانونی و نظارتی نتوانند با شرایط در حال تغییر سازگار شوند، در کاهش خطرات جدید که می‌تواند منجر به مشکلات سیستمی پرهزینه شود، ناکارآمد می‌شوند (کراکت، ۲۰۰۹).

۲-۳. چارچوب حاکمیت شرعی

برای طبقه‌بندی رژیم‌های حکومتی شرعی می‌توان از دو معیار کلی استفاده کرد. اولین مورد، وجود یک چارچوب ملی برای حاکمیت شرعی در قالب قانون/مقررات است که توسط یک مکانیسم نظارت ملی شرعی مکمل در سطح نظارتی پشتیبانی می‌شود. هدف چارچوب ملی حاکمیت شریعت، تحقق الزامات شرعی گسترده‌تر صنعت و حفاظت از منافع ذینفعانی است که در سطح سازمانی خدمت نمی‌کنند. یک مرجع فعال ملی شریعت قادر خواهد بود به مسائل مربوط به شریعت رسیدگی کند، تفاسیر شریعت را هماهنگ کند و از انطباق با اصول شریعت اطمینان حاصل کند. جنبه دوم چارچوب مقرراتی شریعت، الزاماتی را برای تقویت ساختارها و فرآیندهای حاکمیت

۱ Crockett

شرعی تعیین می‌کند. غیر از الزام بانک‌های اسلامی به داشتن واحد شریعت، عناصری می‌توانند شامل الزامات مربوط به جنبه‌های مختلف حکمرانی شرعی در سطح سازمانی باشند. موضوعات تحت نظارت مقررات می‌تواند شامل شرایط مرجع^۱ SSB، تعریف وظایف و نقش اعضای SSB، تایید انتصاب اعضای SSB، تعیین صلاحیت‌ها و حداقل تعداد اعضا در SSB، و شناسایی موقعیت SSB در ساختار حکمرانی باشد. آیین نامه رفتار اعضای SSB می‌تواند تعداد بانک‌هایی را که می‌توانند در آنها خدمت کنند محدود کند، استقلال خود را حفظ کند، از تضاد منافع و غیره جلوگیری کند (احمد، ۲۰۱۶).

۲-۴. زیرساخت نقدینگی

برای تامین نیازهای نقدینگی، بانک باید دارایی‌هایی را در اختیار داشته باشد که می‌تواند فروخته شود یا به عنوان وثیقه برای دریافت اعتبار از سایر واسطه‌های مالی استفاده شود. با این حال، شکست بازار ممکن است دسترسی به نقدینگی از منابع را محدود کند. عدم تامین نقدینگی بازارها از دو طریق قابل حل است. می‌توان از ترتیبات خصوصی بین بانک‌ها برای ایجاد منابع نقدینگی استفاده کرد. با این حال، اجرای این امر دشوار است، به ویژه زمانی که بخش مالی شوک‌های منفی در کل اقتصاد را تجربه می‌کند. در چنین مواردی، نهادهای دولتی مانند بانک مرکزی باید نقدینگی را برای جلوگیری از وقفه‌های جدی در عملیات که می‌تواند منجر به ورشکستگی بانک‌ها شود، تامین کنند. یکی از ابزارهای مورد استفاده بانک‌های مرکزی، تامین منابع مالی اضطراری به بانک‌ها به‌عنوان آخرین راه‌حل است (راشت، ۲۰۰۸).

۲-۵. زیرساخت اطلاعات و شفافیت

با توجه به نقش کلیدی زیرساخت اطلاعاتی سالم، نهادهای بین‌المللی مختلف اتخاذ استانداردهای حسابداری بین‌المللی مختلف را تشویق می‌کنند تا ثبات مالی و کارایی اقتصادی در سطح ملی را ارتقاء دهند و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی بین کشورها را در دنیایی که به طور فزاینده جهانی شده است، بهبود بخشند. یکی از مؤلفه‌های کلیدی استانداردها و کدهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) برای تقویت معماری مالی بین‌المللی شامل پذیرش استانداردهای بین‌المللی است. برخی از الزامات حسابداری عملیات بانکداری اسلامی ممکن است تحت پوشش استانداردهای حسابداری بین‌المللی نباشد. در حالی که برخی از شرایط IFRS برای بانک‌های اسلامی مرتبط

^۱ Shariah Supervisory Board

^۲ Rochet

نیست، برخی از الزامات قراردادی ناشی از انطباق با شریعت ممکن است در استانداردهای بین المللی پوشش داده نشوند. بدین منظور، سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) به عنوان یک نهاد تنظیم کننده برای صدور استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی بر اساس شرع تأسیس شد. با کاهش مشکلات مربوط به اطلاعات نامتقارن، انتخاب نامطلوب و مخاطرات اخلاقی کاهش می‌یابد. همچنین با در دسترس بودن اطلاعات اعتباری امکان ارزیابی بهتر ریسک های نکول ذینفعان مختلف فراهم می‌شود. از رتبه‌بندی‌ها نیز می‌توان برای قیمت‌گذاری مناسب محصولات مختلف استفاده کرد و در نتیجه بازارپذیری آنها را افزایش داد (احمد، ۲۰۱۶).

۲-۶. ساختار حمایت از مصرف‌کننده

درحالی‌که بیشتر مسائل مربوط به حمایت از مصرف‌کننده مربوط به امور مالی متعارف به طور یکسان در مورد مصرف‌کنندگان مالی اسلامی اعمال می‌شود، مسائل منحصر به فرد خاصی وجود دارد که به دلیل رعایت شریعت در مورد مالی اسلامی ایجاد شده است. به غیر از عناصر معماری، یک نیاز اضافی برای مالی اسلامی، اطمینان از انطباق با شریعت است. یکی از موضوعات کلیدی مربوط به اطمینان از انطباق شرعی محصولات و خدمات ارائه شده به مصرف‌کنندگان داشتن یک رژیم حاکمیت شرعی قوی است (نینهاوس^۱، ۲۰۱۵). از آنجایی که بسیاری از مشتریان مالی اسلامی از خدمات با این انتظار استفاده می‌کنند که محصولات با شریعت مطابقت داشته باشند، رگولاتورها باید اطمینان حاصل کنند که این مورد رعایت می‌شود. برخی از مسائل خاصی که تنظیم‌کننده‌ها باید در نظر بگیرند، تقویت حفاظت حاکمیتی از دارندگان حساب سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران صکوک، و توسعه طرح‌های سپرده مطابق با شریعت است. مصرف‌کنندگانی که سواد مالی دارند نه تنها می‌توانند تصمیمات مالی بهتری بگیرند بلکه عملکرد بازارهای مالی را نیز تسهیل کنند. این امر به‌ویژه از آنجایی که محصولات مالی پیچیده‌تر شده‌اند و درک ریسک‌های موجود در محصولات دشوار است، بیشتر احساس می‌شود (لوکونگا^۲، ۲۰۱۵).

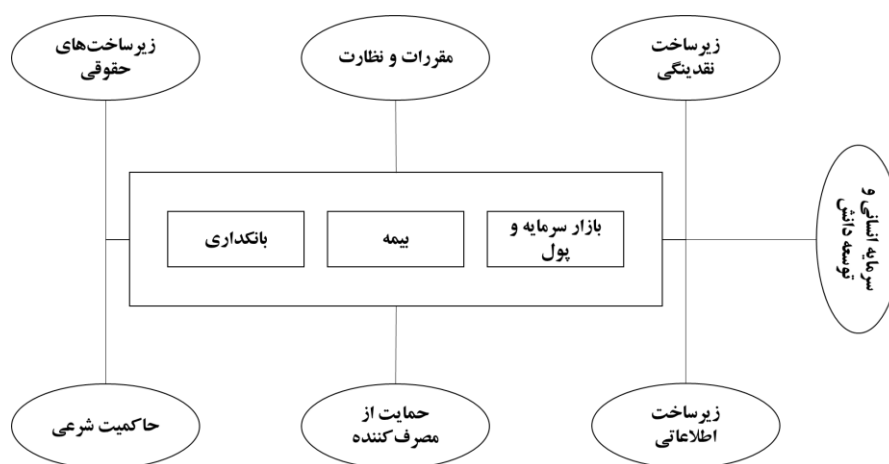
۲-۷. سرمایه انسانی و چارچوب توسعه دانش

برای انطباق با شریعت، امور مالی اسلامی نیازمند افراد با دانش و مهارت‌های خاص و آشنایی با شریعت و قوانین کشور میزبان است. با این حال، به عنوان یک صنعت نسبتاً جدید، کمبود

^۱ Neinhaus

^۲ Lukonga

متخصصان واجد شرایط که در این زمینه ها مهارت داشته باشند، دیده می‌شود. نه تنها در سطح موسسات مالی بلکه در سطح نهادهای نظارتی نیز به متخصصان با استعداد نیاز است. در نظرسنجی انجام شده توسط MEGA^۱ در سال ۲۰۱۶، ۶۳٫۵ درصد از پاسخ دهندگان، وجود کارکنان مالی اسلامی واجد شرایط را محدود و ۱۸٫۲ درصد آن را بسیار کمیاب می‌دانند. در همین نظرسنجی، بیش از نیمی از پاسخ دهندگان، توسعه منابع انسانی را به عنوان اولویت اصلی که نیاز به بیشترین توجه دارد و ۲۸ درصد از پاسخ دهندگان کمبود نیروی انسانی واجد شرایط را یکی از بزرگترین تهدیدهای داخلی برای تامین مالی اسلامی برشمرده‌اند.



شکل ۱. ساختار مالی اسلامی

منبع: احمد، (۲۰۱۶)

۳. ساختار مالی جمهوری اسلامی ایران

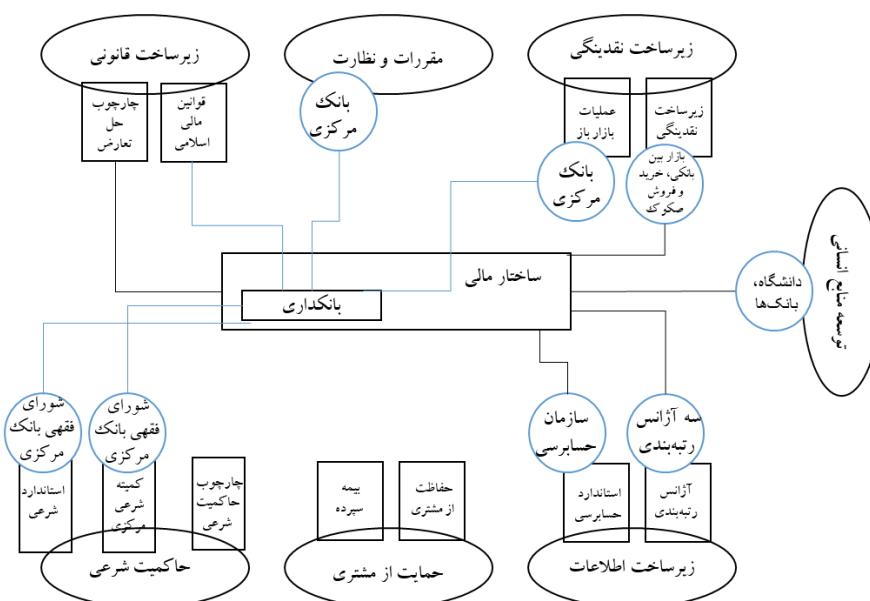
در کشور جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه مرکزی که جز سازمان‌ها و موسسات وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی هستند سیستم مالی کشور را تشکیل می‌دهند.^۲ طبق قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی ج.ا. ایران مسئول تنظیم و اجرای

^۱ Middle East Global Advisors

^۲ <https://www.mefa.ir>

سیاست‌های پولی و اعتباری، با هدف حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور، است (بانک مرکزی ۱).

باتوجه به ساختار مالی اسلامی تعریف شده و روابط فی‌مابین زیرساخت‌ها می‌توان به وجود خلاءهایی در بخش‌های حقوقی، مقررات و نظارت، حمایت از مصرف‌کنند و زیرساخت اطلاعاتی پی برد. به منظور پوشش این کاستی‌ها به ایجاد سیستم بانکی منضبط، زیرساخت اطلاعاتی جامع و سیستم حمایت از مصرف‌کنندگان و توسعه منابع انسانی، به عنوان پیش‌شرط‌های الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده، پیشنهاد می‌شود.



شکل ۲. ساختار مالی جمهوری اسلامی ایران

منبع: پژوهشگران (۱۴۰۱)

۴. الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده

یکی از دلایل عدم موفقیت الگوی فعلی نظام بانکداری کشور عدم تطبیق آن با ساختار مالی اسلامی معرفی شده در این پژوهش است. مشخصه‌های یک الگوی تجهیز و تخصیص منابع باید بر پایه‌ی یک ساختار بنا شوند در غیر این صورت در زمان اجرا منتج به نتایجی خارج از اهداف اولیه

^۱ <https://www.cbi.ir/page/16716.aspx>

خواهد شد. لذا به منظور اجرای درست الگوی پیشنهادی ابتدا نیاز به تصحیح زیرساخت‌های مالی موجود است.

باتوجه به مطالب بیان شده الگویی که برای پیاده‌سازی سیستم تجهیز و تخصیص منابع ارائه می‌شود باید بر اساس شاخصه‌های هفتگانه، یعنی، زیرساخت قانونی، چارچوب مقررات و نظارت نظام مالی، چارچوب حاکمیت شرعی، زیرساخت نقدینگی، زیرساخت اطلاعات و شفافیت، ساختار حمایت از مصرف کننده و سرمایه انسانی و چارچوب توسعه دانش باشد، لذا در ادامه پیش‌شرط‌های الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده و پس از آن جزئیات این الگو شرح داده شده است.

۴-۱. لزوم سیستم بانکی منضبط

هدف یک نظام بانکی جمع‌آوری و بازتوزیع مناسب منابع پولی و نقدینگی در جهت رشد اقتصادی است. یکی از ارکان مهم هر نظام بانکی، بانک مرکزی است. در صورتی که بانک مرکزی سیاست‌گذاری پولی مناسبی را در پیش نگیرد با ایجاد تورم‌های طولانی مدت باعث می‌شود اقتصاد از مسیر بهینه خارج شود. از جمله سیاست‌های مهم بانک مرکزی می‌توان به چگونگی نحوه تعامل بانک‌ها با بنگاه‌های اقتصادی در تخصیص اعتبار اشاره داشت.

نظام بانکی سالم به فعالیت‌های اقتصادی مولد پول و اعتبار اعطا می‌کند. دو نوع پول وجود دارد. پول بر پایه دارایی مانند سکه طلا و نقره یا رسید طلا و نقره و پول بر پایه بدهی مانند چک مدت‌دار که برای دارنده آن حکم پول و برای صادرکننده آن حکم بدهی دارد. در واقع پول بر پایه بدهی انتظار از ایجاد ارزش افزوده در آینده را، امروز تبدیل به یک قرارداد می‌کند که قابل واگذاری به غیر است، لذا می‌تواند کارکرد مبادله داشته باشد. در واقع پولی که بر اساس یک فعالیت مولد اقتصادی است توسط بانک در قالب اعتبار خلق می‌شود، در نهایت بایستی امحاء شود. در این چرخه وظیفه اصلی بانک شناسایی فعالیت‌های مولد اقتصادی و ارائه اعتبار به آن‌ها است. اعتباراتی که توسط بانک به بنگاه‌ها داده می‌شود دارایی‌های بانک هستند، لذا بانک بایستی به منظور کاهش ریسک دارایی‌های خود سبدهی متنوع از فعالیت‌های اقتصادی مولد تشکیل دهد. زمانی که اعتباری خلق می‌شود، متناظر با آن بایستی کالا یا خدماتی در اقتصاد تولید شود، در غیر این صورت اعتبار خلق شده منجر به تورم خواهد شد. بنابراین وقتی که فرآیند اعطای اعتبار بی‌انضباط باشد، بازپرداختی صورت نخواند گرفت و اعتبارهای اعطا شده امحاء نمی‌شوند. در چنین شرایطی رشد سریع پول منجر به بالا رفتن تورم می‌شود^۱ (ورنر، ۲۰۱۶). مطابق گزارش تیر ماه بانک مرکزی در

^۱ این رویکرد مبتنی بر رویکرد «ذخیره جزئی» یا «ضریب فزاینده هست» که در آن بانک‌ها نسبتی از سپرده‌ها را نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند و مابقی را می‌توانند اعتبار دهند.

سال ۱۴۰۱ ضریب فزاینده نقدینگی حدود ۸ واحد است^۲. لذا هر واحد پولی که توسط بانک مرکزی برای جبران هزینه‌های دولت یا جبران تسهیلاتی که توسط شبکه بانکی ایجاد شده ولی بازپرداخت نشده‌اند چاپ شود تاثیری ۸ برابری بر میزان نقدینگی خواهد داشت. به همین علت منضبط کردن سیستم پولی و اعطای اعتبار اهمیت بالایی دارد. جدول ذیل نسبت مطالبات مشکوّل الوصول به خالص تسهیلات اعطایی اکثر بانک‌ها و موسسات مالی فعال در کشور را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. نسبت مطالبات مشکوّل الوصول به خالص تسهیلات اعطایی^۳

نام بانک/ سال	1394	1395	1396	1397	1398	1399	1400
خاورمیانه	0.4%	0.4%	1.1%	1.5%	0.9%	0.7%	1.1%
سینا	2.1%	1.4%	3.1%	3.1%	0.7%	0.4%	0.3%
ملت	4.0%	3.0%	4.3%	3.0%	3.4%	2.6%	1.3%
پاسارگاد	3.0%	1.1%	3.0%	1.0%	2.9%	1.3%	1.4%
ملل	6.2%	15.2%	20.4%	14.4%	11.3%	5.2%	2.6%
سامان	16.8%	12.9%	13.7%	9.1%	9.5%	4.5%	1.8%
صادرات	8.3%	5.1%	3.3%	3.9%	4.0%	8.0%	6.3%
تجارت	9.5%	7.1%	6.7%	6.2%	4.0%	2.2%	1.1%
کارآفرین	5.9%	5.9%	6.8%	12.3%	5.9%	1.7%	1.1%
اقتصاد نوین	8.8%	12.1%	12.0%	15.4%	9.6%	4.8%	4.4%
دی	0.6%	2.2%	9.0%	16.8%	31.4%	11.5%	12.6%
پست بانک	10.0%	5.7%	9.2%	3.7%	1.8%	0.8%	0.4%
پارسیان	6.4%	5.4%	2.3%	4.2%	5.0%	4.3%	3.1%
آینده	1.0%	1.6%	1.3%	0.7%	0.3%	29.3%	25.4%
سرمایه	24.7%	37.2%	48.4%	83.8%	87.0%	81.6%	66.4%
ملی						19.0%	16.4%
کشاورزی						5.0%	2.7%
مسکن						1.7%	1.2%
میانگین وزنی	6.4%	5.4%	5.2%	4.8%	4.6%	6.8%	5.1%

تارنمای codal.ir

^۱ Werner^۲ <https://www.cbi.ir/page/24134.aspx>^۳ محاسبات بر اساس اطلاعات مستخرج از صورت‌های مالی سالانه منتشر شده در سایت codal.ir

همانطور که اطلاعات موجود در جدول ۱ نمایش می‌دهد وضعیت انضباط در اعطای تسهیلات در شرایط نامناسبی قرار دارد.

۴-۲. لزوم زیرساخت اطلاعاتی جامع

به منظور حصول اطمینان از اینکه اعتبار بانکی به فعالیت‌های مولد اقتصادی تخصیص داده می‌شود بایستی اعتبارسنجی انجام شود. اعتبارسنجی علم محاسبه احتمال ناتوانی در ایفای تعهدات به خاطر ریسک‌های متعارف کسب‌وکار و اقتصاد است. می‌توان برای اعتبارسنجی دو پیش‌فرض مهم در نظر گرفت (S&P Global, 2022):

- اعتبارگیرنده قصد کلاه‌بردانه‌ای ندارد
 - اعتبارسنجی به صورت روشمند و علمی صورت می‌پذیرد
- در مورد پیش‌فرض اول همانطور که اشاره شد اعتبارسنجی علم محاسبه احتمال ناتوانی در بازپرداخت تعهدات است نه علم شناسایی افراد کلاه‌بردار. برای مقابله با چنین افرادی بایستی سازوکاری تعریف شود که افراد بدهکار تمایلی برای طفره رفتن از بازپرداخت عاقدانه تعهدات خود نداشته باشند، به بیان دیگر عدم بازپرداخت عاقدانه برای آن‌ها به‌صرفه نباشد. از جمله منابع اطلاعاتی مهمی که شرکت‌های اعتبارسنجی برای انجام عملیات خود از آن بهره می‌برند صورت‌های مالی سالانه یا فصلی بنگاه‌ها است. صورت‌های مالی که حسابرسی شده باشند قاعدتاً از اعتبار بالاتری برخوردار خواهند بود. بنابراین سیاست‌گذاران بایستی به تشویق و گسترش این امر توجه ویژه داشته باشند. هرچه اطلاعات معتبر بیشتری در دسترس باشد، اعتبارسنجی درست‌تری صورت می‌پذیرد و هرچه اعتبارسنجی درست‌تر باشد تخصیص منابع بهینه‌تر خواهد بود.

۴-۳. لزوم سیستم حمایت از مصرف‌کنندگان و توسعه منابع انسانی

به منظور پیش‌برد اهداف سیستم مالی بایستی یک نهاد جهت آموزش و حمایت از مصرف‌کننده برای حمایت از منافع مصرف‌کنندگان و مردم در برابر تخلفات و جرایم در بخش مالی مانند دستکاری و انواع اختلاس در فعالیت‌های خدمات مالی وجود داشته باشد. نهاد آموزش و حمایت از مصرف‌کننده مسئول ارتقاء آگاهی عمومی در مورد موسسات خدمات مالی، از جمله کلیه محصولات و خدماتی است که در صنعت مالی ارائه می‌دهند، در نتیجه سطح دانش عمومی مرتبط با امور مالی بهبود می‌یابد که منجر به بهتر عمل کردن سیستم مالی می‌شود. اهداف و برنامه‌های آموزشی اجتماعی که می‌توان برای این نهاد تعریف کرد می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

- مطالعه مزایا و خطرات سرمایه‌گذاری،
- افشای شیوه‌های عملیات در تقلب تحت سرمایه‌گذاری جعلی،
- تشریح انواع کلی محصولات مالی غیرقانونی که اغلب به عموم عرضه می‌شوند،
- مطالعه خصوصیات کلی محصولات مالی غیرقانونی،
- افشای روش‌های مختلف تجارت غیرقانونی محصولات مالی

۴-۴. شرح الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده

بانک‌ها موسساتی هستند که از بانک مرکزی مجوز دارند و مجازند از مردم سپرده بگیرند. آن‌ها همچنین مجموعه‌ای از محصولات و خدمات دیگر از جمله اعطای وام، چک، انتقال پول، ارائه ضمانت، معامله ارز و کمک به مشتری برای سرمایه‌گذاری را ارائه می‌دهند. از منظر اقتصادی، بانک‌های اسلامی نقشی مشابه بانک‌های متعارف دارند. بانک‌ها از وجوه جمع‌آوری شده به عنوان سپرده برای تامین مالی سایر مشتریان و سرمایه‌گذاری سپرده‌های خود و مشتریان استفاده می‌کنند. منحصر به فرد بودن بانک اسلامی از آنجا ناشی می‌شود که همه معاملات باید مطابق با موازین شرعی باشد. در اسلام پول تنها وسیله مبادله است که برای فعالیت‌های تجاری استفاده می‌شود. در مقابل، مالی متعارف پول را به عنوان یک کالا با ارزش ذاتی در نظر می‌گیرد. مشکل اصلی که در فرآیند توسعه بانکداری نوین اسلامی باید حل شود، شناسایی جایگزین مناسب برای سازوکار بهره محور بوده که این امر با مکانیسم تقسیم سود و زیان در بانکداری اسلامی حاصل شده است. شریعت همچنین بانک‌ها را مجاب می‌کند که تامین مالی یا سرمایه‌گذاری را از طریق دارایی واقعی انجام دهند. بنابراین، درآمد یا بر اساس تقسیم سود و زیان در معاملات مشابه سهام یا سود حاصل از یک قرارداد فروش با بهای تمام شده مشخص یا از اجاره یک معامله اجاره خواهد بود (حبیب، ۲۰۱۸).

بنگاه‌های اقتصادی فعال در صنایع مختلف تولیدی و خدماتی دارای ترازنامه‌ای هستند که در آن دارایی‌های بنگاه و منابع تامین این دارایی‌ها مشخص شده است. این منابع یا آورده سهامداران و سود حاصل از فعالیت سال‌های قبل است که حقوق صاحبان سهام نام دارد یا بدهی بنگاه می‌باشد که شامل تسهیلات بانکی کوتاه و بلندمدت و بدهی به زنجیره تامین در قالب حساب‌های پرداختی است.

منظور از الگوی مشارکت طبقه‌بندی شده این است که اولاً تسهیلاتی که در قالب قرارداد اسلامی به بنگاه داده می‌شود تماماً با هدف مشارکت در فعالیت مولد اقتصادی است و ثانیاً بانک

باید تصمیم بگیرد در کدام طبقه از منابع تامین دارایی بنگاه‌ها شرکت داشته باشد؛ در سمت بدهی یا سرمایه. انتخاب هر کدام از این موارد مسیر تامین مالی جداگانه‌ای پیش روی بانک قرار خواهد داد.

تجهیز منابع

- سپرده‌های قرض الحسنه: این سپرده‌ها که در قالب جاری و پس‌انداز می‌باشند، بر اساس قرض بدون بهره هست و افراد می‌توانند وجوه مازاد خود را به آن اختصاص دهند. سپرده‌گذاران می‌توانند در زمان نیاز وجوه خود را برداشت کنند، به این سپرده‌ها سودی تعلق نمی‌گیرد و سپرده‌گذاران می‌توانند از خدمات رایگان سپرده جاری مانند دسته چک استفاده نمایند. از آنجایی که این منابع در امور خیر و وام قرض‌الحسنه مصرف می‌شوند، سپرده‌گذاران در پاداش معنوی آن شریک هستند.
- گواهی مشارکت در بدهی: برگه‌ای است با نام که مشخص می‌کند سپرده‌گذار چه مبلغی را در چه تاریخی در بانک سپرده‌گذاری کرده است. این قراردادهای سپرده‌گذاری بر اساس وکالت عام^۱ هستند به این صورت که بانک در جایگاه وکیل وجوه نقد سپرده‌گذاران را دریافت می‌کند و به طرح‌های با توجیه اقتصادی ارائه شده توسط بنگاه‌ها تسهیلات ارائه می‌دهند. سود حاصل از این تسهیلات پس از کسر حق الوکاله^۲ بانک به دارنده گواهی مشارکت در بدهی می‌رسد. حداقل دوره نگهداری این نوع گواهی یک ماه کامل است در غیر این صورت دارنده گواهی فقط اصل سرمایه را دریافت خواهد کرد.
- گواهی مشارکت در سرمایه: برگه‌ای است با نام و قیمت اسمی معین که مشخص می‌کند افراد چه مبلغی را در چه تاریخی در اختیار بانک قرار داده‌اند. این قراردادها بر اساس وکالت عام هستند به این صورت که بانک در جایگاه وکیل وجوه نقد سپرده‌گذاران را دریافت و در طرح‌های مولد اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کند. در این حالت افراد به عنوان سهامدار در سود و زیان مجموع سرمایه‌گذاری‌ها شریک و سهام هستند. حداقل دوره نگهداری این گواهی یک سال کامل است در غیر این صورت دارنده گواهی فقط اصل سرمایه را دریافت خواهد کرد.

۱ عسکری، میرآخور و اقبال (۲۰۱۵) سه مدل برای چگونگی ایفای نقش واسطه‌های مالی مشخص کرده‌اند که یکی از آن‌ها مدل وکالتی نام دارد. در این حالت بانک به عنوان عامل یا وکیل مسئولیت مدیریت وجوه سپرده‌گذاران را بر عهده دارد و در مقابل کارمزد دریافت می‌کند.

۲ مقدار حق الوکاله در گواهی مشارکت در بدهی برابر اختلاف نرخ بهای تمام شده پول تجهیز شده و نرخ اعطای تسهیلات است که با توجه به شرایط بازار و رقابت بین بانک‌ها مشخص می‌شود.

تخصیص منابع

- تسهیلات قرض الحسنه: سپرده‌های قرض الحسنه جاری و پس‌انداز پس از کسر سپرده قانونی و ذخیره احتیاطی، به صورت وام قرض الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. تسهیلات گیرنده بهره‌ای پرداخت نمی‌کند و صرفاً درصد پایینی به عنوان کارمزد توسط وی پرداخت می‌شود.
- مشارکت در طبقه بدهی‌ها: سپرده‌هایی که در قالب گواهی مشارکت در بدهی جمع‌آوری شده به صورت تسهیلات در اختیار آن دسته از بنگاه‌هایی که برای سرمایه در گردش، خرید تجهیزات و ... نیاز به نقدینگی دارند ولی تمایلی به ایجاد شراکت در بنگاه خود ندارند، قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که طرح دریافت تسهیلات ارائه شده بایستی توجیه اقتصادی داشته باشد.
- مشارکت در طبقه سرمایه: وجوهی که در قالب گواهی مشارکت در سرمایه از افراد جمع‌آوری شده در طرح‌های مولد اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌شوند. افراد به عنوان سهامدار در سود و زیان به دست آمده شریک هستند. در صورت سودده بودن مجموع طرح‌ها بانک تنها حق الوکاله^۱ از قبل مشخص شده را دریافت می‌کند.

۴-۴-۱. مشارکت در طبقه بدهی

در این حالت بنگاه اقتصادی طرح توجیهی دریافت تسهیلات، که شامل وضعیت صنعت و شرکت به همراه برآوردی از وضعیت سودآوری و جریان‌های نقدی شرکت در صورت دریافت تسهیلات است را در اختیار بانک قرار می‌دهد. بانک در صورت توجیه‌پذیر بودن طرح به منظور تامین سرمایه در گردش، خرید تجهیزات و غیره در قالب قرارداد مرابحه تامین مالی را انجام دهد. از آنجایی که سود قراردادهای مشارکت در بدهی (قرارداد مرابحه، اجاره، سلف و سایر عقود مبادله‌ای) از قبل مشخص است، لذا دارندگان گواهی‌های مشارکت در بدهی به صورت ماهانه سود خود را دریافت می‌کنند. همچنین در زمان نیاز با مراجعه به بانک می‌توانند گواهی خود را تحویل داده و اصل پول خود را دریافت کنند.

۱ حدود حق الوکاله توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود و بانک و دریافت‌کننده تسهیلات با توجه به طرح ارائه شده و شرایط بازار به یک نرخ مشخص و ثابت که در محدوده‌ی تعریف شده توسط بانک مرکزی است به توافق می‌رسند. در صورت زیان بانک هیچگونه درآمدی از این ناحیه نخواهد داشت.

۴-۲. مشارکت در طبقه سرمایه

قرارداد مشارکت در طبقه سرمایه به معنی مشارکت دو یا چند نفر است که سرمایه و نیروی کار خود را بر اساس اعتماد متقابل کنار هم می‌گذارند، در سود و زیان سرمایه‌گذاری مشترک، سهیم هستند و حقوق و تعهدات مشابهی دارند. در مشارکت، ریسک‌ها و سود یا زیان به‌طور عادلانه‌تر بین سرمایه‌گذاران تقسیم می‌شود که بر اساس نسبت سرمایه‌گذاری هر یک از شرکا تعیین می‌شود.

از منظر شرعی، قرارداد مشارکت یک شراکت ساده است. اما طراحی یک محصول بانکی از آن آسان نیست. بانک‌ها ترجیح می‌دهند فقط برای مدت محدود وارد شراکت شوند. با این حال قرارداد مشارکت به عنوان بادوام‌ترین محصول بانکداری اسلامی با پتانسیل رشد در آینده در نظر گرفته می‌شود. بانک‌های اسلامی با مشتریان خود قرارداد مشارکت منعقد می‌کنند که هرکدام به مقدار مساوی یا متفاوت سرمایه دارند و مهارت‌ها و تخصص‌های خود را برای راه‌اندازی یک سرمایه‌گذاری مشترک جدید یا مشارکت در سرمایه‌گذاری موجود مشارکت می‌دهند. سود سرمایه طبق یک نسبت از پیش توافق شده که در شروع قرارداد تصمیم‌گیری می‌شود، تقسیم خواهد شد. با این حال، زیان‌های مالی به نسبت سهم سرمایه هر یک از شرکا است. بازگشت سرمایه مشارکت مانند وام مبتنی بر بهره نمی‌تواند تضمین شود و حتی ممکن است منجر به از دست دادن سرمایه شرکا شود. به این ترتیب، محصول شامل ریسک است و از آنجایی که بانک‌ها می‌خواهند فقط برای مدت محدودی درگیر شوند، محصول می‌تواند بسیار پیچیده باشد.

قرارداد مشارکت در سرمایه به این صورت است که بانک مجموعه‌ای از طرح‌های مولد اقتصادی از طرف بنگاه‌هایی که قبلاً مراحل اعتبارسنجی آن‌ها طی شده در دست دارد. این طرح‌های اقتصادی ممکن است به صورت پروژه‌های احداث واحدهای تولیدی یا خدماتی جدید یا طرح‌های توسعه‌ای و بهبودی بنگاه‌های فعال باشد. بانک پس از هم‌کاسه کردن طرح‌های مولد، جهت جمع منابع نقدی اقدام به انتشار گواهی مشارکت در سرمایه می‌کند. این گواهی‌ها با قیمت اسمی معین و در تاریخ مشخص منتشر شده و وجوه نقدی جمع‌آوری می‌شود. بانک با تخصیص وجوه به بنگاه‌های مختلف در مالکیت آن‌ها شریک می‌شود. چنانچه طرح به صورت پروژه احداثی باشد هر یک از طرفین به اندازه آورده نقدی در پروژه سهم دارند و چنانچه طرح اقتصادی مربوط به شرکت‌های فعال باشد بانک به اندازه‌ی نسبت آورده به خالص ارزش دارایی‌های آن شرکت سهم خواهد داشت.

در پایان هر سال مجموع سودهای به دست آمده از تمام طرح‌های در دست اجرا (با توجه به نسبت مالکیت بانک) پس از کسر حق الوکاله بین دارندگان گواهی به نسبت تعداد و زمان نگهداری تقسیم می‌شود. همچنین قیمت هر گواهی در پایان سال توسط ارزیاب مستقل مشخص می‌شود تا

در صورتی که یک فرد تصمیم بر خروج از سرمایه‌گذاری داشت با فروش گواهی خود به بانک قادر به انجام این امر باشد. همچنین صدور واحدهای جدید توسط بانک به منظور جمع‌آوری دوباره وجوه برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید با آخرین قیمت مشخص شده توسط ارزیاب، انجام می‌گیرد.

شرایط قرارداد

۱. تامین مالی مشارکت عبارت است از تامین مالی در قالب یک توافقنامه همکاری بین بانک و مشتری به شکل ادغام سرمایه توسط هر یک از طرفین برای انجام پروژه‌های مولد اقتصادی یا تلاش برای داشتن دارایی‌های خاص با هدف به دست آوردن منافع مشروط بر اینکه سود و زیان تقسیم شود. سود بر اساس توافق یا سهم سرمایه تقسیم می‌شود در حالی که زیان فقط نسبت به سهم سرمایه خواهد بود.
۲. در قرارداد تامین مالی مشارکت بین بانک و مشتری باید به وضوح بیان شود که همکاری بین صاحبان سرمایه با هدف کسب سود انجام می‌شود.
۳. تامین مالی مشارکت که توسط بانک و مشتری ارائه می‌شود برای تامین مالی کسب‌وکارها، پروژه‌ها، دارایی‌های خاص، اعم از موجود و جدید است که توسط مشتری، طبق شرایط توافق شده با بانک، مدیریت می‌شود.
۴. تامین مالی مشارکتی که توسط بانک ارائه می‌شود، می‌تواند به صورت مشارکت سرمایه به میزان ثابت یا به سرمایه کاهشی باشد.
۵. در تامین مالی مشارکت ثابت، سهم سرمایه هر یک از شرکا طبق قرارداد تعیین می‌شود و مقدار آن تا پایان دوره قرارداد ثابت می‌ماند، در پایان دوره قرارداد بانک قول می‌دهد همه را به قیمت ارزش روز خالص دارایی‌ها بفروشد و سرمایه خود را به یکباره به مشتری می‌دهد و مشتری قول می‌دهد کل سرمایه بانک را به قیمت ارزش روز خالص دارایی‌ها بخرد.
۶. در تامین مالی مشارکت کاهشی مقدار سرمایه کاهش می‌یابد؛ یعنی، قسمت سرمایه بانک به صورت مرحله‌ای و سالانه (به صورت اقساطی) به مشتری به ارزش روز خالص دارایی‌ها فروخته می‌شود تا سرمایه (مالکیت) بانک به مرور زمان کاهش یابد و در زمان پایان دوره قرارداد، بانک دیگر مالک سرمایه در کسب و کار، پروژه یا دارایی نخواهد بود.
۷. در صورت ناتوان بودن طرف مقابل در خرید سهم بانک، بانک این اجازه را خواهد داشت که سهم خود را به افراد دیگری بفروشد.

۸. اگر در حین فعالیت پروژه یا فعالیت‌های تجاری تامین مالی مشارکت، تغییری در سهم سرمایه ایجاد شود به طوری که باعث تغییر نسبت مشارکت در سود نیز شود، باید الحاقی (تغییر) به توافق نامه قبلی که مورد توافق و امضا قرار گرفته است، اعمال شود.
۹. مشتری بالقوه فرآیند ارزیابی را پشت سر گذاشته است و به عنوان مشتری واجد شرایط برای تامین مالی بر اساس معیارهای تجزیه و تحلیل تامین مالی سالم طبقه‌بندی می‌شود.
۱۰. تجارتی که توسط شرکت یا نهاد تجاری که برای تامین مالی مشارکت درخواست می‌کند، یک تجارت قانونی است و با اصول و مقررات شرعی مطابقت دارد.
۱۱. شرکت‌ها و نهادهای تجاری نبایستی در لیست سیاه و لیست اعتبار بد فهرست شده باشند

استاندارد سرمایه

۱. منظور از سرمایه در تامین مالی مشارکت می‌تواند پول نقد، اوراق بهادار، فلزات گرانبها، دارایی‌های تجاری مانند اقلام موجودی، اموال و غیره باشد.
۲. سرمایه را می‌توان به صورت نقدی یا به هر شکلی غیر از نقدی که معمولاً شناخته شده است، ارائه داد.
۳. اگر سرمایه به صورت ارزهای مختلف باشد، باید ارزش آن را به یک واحد پولی مشخص و مطابق توافق طرفین در زمان انعقاد قرارداد، ارزیابی و بیان شود.
۴. اگر سرمایه به شکل فلزات گرانبها یا دارایی باشد، ابتدا باید ارزیابی انجام شود و توسط بانک و مشتری توافق شود.
۵. ارزیابی شکل سرمایه غیر از وجه نقد موجود در قرارداد مشارکت توسط بانک یا ارزیاب توافق شده انجام می‌شود. هزینه‌های انجام شده در این ارزیابی به طور کامل بر عهده مشتری می‌باشد.
۶. مبلغ کل سرمایه پرداخت شده توسط هر یک از طرفین باید در زمان عقد مشخص و تعیین شود و پرداخت سرمایه به همراه کلیه حقوق و مسئولیت‌های طرفین مربوط به قرارداد باید به صورت کتبی صادر شود.
۷. در صورتی که یکی از طرفین نتواند تمام سرمایه (شریک متخلف) توافق شده را بر اساس زمان توافق شده در قرارداد تامین کند، طرف غیر متخلف می‌تواند قرارداد را با طرف متخلف فسخ کند و برای هر گونه هزینه‌ای که به دلیل آن متحمل شده است درخواست جبران کند.
۸. اگر یکی از طرفین نتواند بخشی از سرمایه مورد توافق را بر اساس زمان توافق شده در قرارداد تامین کند، طرف غیر متعهد می‌تواند:

- بازنگری در قرارداد مشارکت بر اساس سرمایه واقعی پرداخت شده توسط طرف متخلف.
- فسخ قرارداد با طرف شکست خورده
- ۹. طرفین می‌توانند بر اساس توافقنامه در قالب الحاقیه نسبت به افزایش یا کاهش سرمایه هر یک از طرفین توافق کنند. در نتیجه، طرفین ممکن است با تغییر نسبت سرمایه و نسبت مشارکت در سود موافقت کنند.

استاندارد مدیریت

۱. کسب و کار در مشارکت را می‌توان با گزینه‌های زیر مدیریت کرد:
 - مدیریت توسط همه طرف‌ها
 - مدیریت توسط یکی از طرفین قرارداد
 - مدیریت توسط شخص ثالث
۲. به مدیران توسط یکی از طرفین (مشتریان) ممکن است پاداش و یا هر گونه مشوقی برای خدمات خود به عنوان مدیر، علاوه بر سهم مشارکت در سودی که به عنوان طرف قرارداد مشارکت دریافت می‌کنند، دریافت کنند.
۳. توافقات با اشخاص ثالث به عنوان مدیران باید با قراردادهای جداگانه انجام شود
۴. ممکن است به مدیران شخص ثالث موافقت نامه‌های جداگانه‌ای در رابطه با پاداش و یا هر گونه مشوقی برای خدمات آنها که مورد توافق طرفین است، داده شود.
۵. مسئولیت هر گونه خسارت ناشی از سهل انگاری، کم کاری یا تخلف از قرارداد توافق شده بر عهده مدیریت می‌باشد.
۶. تعهدات مشتری و بانک برای گزارش مالی پروژه یا فعالیت‌های تجاری تحت تامین مالی:
 - مشتری موظف است حداقل یک بار در ماه گزارش درآمد و فروش یا گزارش سود ناخالص را به عنوان مبنای محاسبه سود ناخالص گزارش دهد. بانک ممکن است صورت‌های مالی (در صورت نیاز) را به عنوان کنترل دوگانه بر گزارش‌های فوق درخواست کند.
 - اگر گزارش پذیرفته نشود، بانک باید خطا را مطلع کند تا مشتری بتواند گزارش درآمد/فروش یا گزارش سود ناخالص را در اسرع وقت تصحیح کند تا به بانک بازگردانده شود.

استاندارد تقسیم سود و زیان

۱. سود کسب‌وکار به‌دست‌آمده از پروژه‌ها و کسب و کارهایی که توسط مشتری اداره می‌شود، بر اساس نسبت تقسیم سود مورد توافق، بین بانک توزیع می‌شود، در حالی که زیان‌ها بر اساس نسبت هر مالکیت سرمایه تقسیم می‌شوند.
۲. نسبت تقسیم سود نیز می‌تواند بر اساس سهم مشارکت در سرمایه باشد.
۳. صورت‌های مالی شرکت که نشان‌دهنده وضعیت و عملکرد عملیات آن است علاوه بر اینکه تحت نظارت بانک تهیه شده توسط حسابرس مستقل نیز بایستی تایید شود.
۴. سود به دست آمده از فعالیت شرکت در مجمع عمومی سالانه شرکت به نسبتی که در قرارداد مشارکت مشخص شده است تقسیم می‌شود.
۵. قسمتی از سود تقسیم شده که سهم بانک است پس از کسر حق الوکاله به سپرده‌گذاران می‌رسد.
۶. در تاریخ پایان هر سال مالی ارزش شرکت یا طرحی که تامین مالی شده است توسط ارزیاب مستقل ارزشیابی خواهد شد.
۷. هر یک از طرفین (مشتری و بانک) نیز باید ارزشیابی از ارزش شرکت یا طرح در پایان سال مالی داشته باشند.
۸. در صورت اختلاف در ارزشیابی انجام شده توسط ارزیاب مستقل گزارش ارزشیابی باید توسط کارشناسان دادگستری تهیه شود.
۹. در صورتی که قرارداد مشارکت از نوع مشارکت کاهشی باشد مقدار سهمی که از بانک به مشتری منتقل می‌شود، با قیمتی که توسط ارزیاب مستقل محاسبه کرده است معامله می‌شود و در صورت عدم توافق با قیمت مشخص شده توسط ارزیاب مستقل، نظر کارشناسان دادگستری ملاک قرار خواهد گرفت.
۱۰. در صورتی که قرارداد مشارکت از نوع مشارکت ثابت باشد ولی عده‌ای از دارندگان گواهی مشارکت در سرمایه پس از گذشت یک سال قصد فروش گواهی‌های خود را داشته باشند، قیمت مشخص شده در بند قبل ملاک تسویه خواهد بود. چنانچه گزارش‌های ارزشیابی آماده نشده باشد بایستی گواهی مشارکت در سرمایه با حداقل نرخ برآوردی بانک خریداری شود و پس از آماده شدن گزارش‌های ارزشیابی تفاوت آن به حساب سپرده‌گذار واریز گردد.
۱۱. در صورت تمایل دارندگان گواهی مشارکت در سرمایه به فروش گواهی خود در بازه زمانی نگهداری کمتر از یک سال، گواهی آنها با همان قیمت فروش خریداری می‌شود و در پایان سال تنها به تناسب زمان نگهداری در سود تقسیمی شریک خواهند بود.

۱۲. بانک بایستی سازوکار مشخصی برای بازارگردانی گواهی‌های مشارکت در سرمایه داشته باشد تا با کمبود نقدینگی مواجه نشود. برای این منظور بانک می‌تواند با شرکتهای تامین سرمایه همکاری داشته باشد.

۱۳. در صورتی که سود ناشی از تقسیم سود شرکت‌ها در یک سال فراتر صرف ریسک سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بود بانک می‌تواند قسمتی از سود را جهت کنترل ریسک کاهش سود در سال‌ها بعد در حسابی جداگانه ذخیره کند. این شرط بایستی در زمان فروش گواهی‌های مشارکت در سرمایه به صورت دقیق با عدد و رقم قید شود.

۱۴. منابع ذخیره شده در حساب جداگانه بند قبل در زمان ارزشیابی ارزش شرکت‌ها و پروژه‌ها محاسبه شده لذا دارندگان گواهی‌های سپرده از این ناحیه متضرر نخواهند شد.

استاندارد ضمانت و وثیقه

۱. تضمین اصلی تامین مالی مشارکت در سرمایه، اطمینان بانک به توانایی مشتری برای پرداخت منابع مالی مطابق با توافق است. این اطمینان از طریق اعتبارسنجی درست حاصل خواهد شد.
۲. وثیقه یک "منبع ثانویه بازپرداخت" یا آخرین منبع برای بازپرداخت تامین مالی مشارکت در سرمایه است در صورتی که مشتری واقعاً دیگر نتواند تعهدات پرداختی خود را برای تامین مالی دریافت کرده انجام دهد.
۳. موضوع تأمین مالی که در این قرارداد با سرمایه مشترک تأمین می‌شود مجاز است به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد. اگر هدف تامین مالی الزامات وثیقه را برآورده نمی‌کند. مشتری ممکن است وثیقه موقت ارائه دهد. زمانی که هدف تامین مالی الزامات وثیقه را برآورده کرد و بتواند کاملاً مقید شود، مشتری می‌تواند وثیقه را مبادله کند.

استانداردهای حل اختلاف

۱. ترتیبات مربوط به حل اختلاف بین بانک و مشتری باید اصل مشورت و توافق را در اولویت قرار دهد.
۲. اصل مشورت برای اجماع می‌تواند به روش‌های مختلفی انجام شود، مانند زمان‌بندی مجدد، افزودن شرایط جدید (بازسازی) یا استفاده از یک ساختار جدید (تجدید ساختار).
۳. گام نهایی استفاده از وفاق می‌باشد.

۱ منظور از تجدید ساختار تغییر در نسبت‌های تقسیم سود و در گام نهایی کنترل کامل مدیریت شرکت توسط بانک است

استاندارد نظارت

۱. نظارت مالی برای اهداف ذیل صورت می‌پذیرد:
الف. تشخیص زود هنگام انحراف در عملیات مشتری
ب. حصول اطمینان از اینکه مشتری از سقف سرمایه در جهت برنامه گفته شده استفاده می‌کند
ج. نظارت بر معاملات مشتری از طریق حساب جاری مشتری و بازدید از مشتری که وجوه استفاده شده مطابق با اهداف تجاری باشد.
۲. نظارت مالی می‌تواند به دو صورت انجام شود، یعنی (۱) نظارت در محل با انجام بازدید از مشتری یا (۲) نظارت بر اساس مستندات (خارج از سایت)
۳. بررسی متقابل تحقق درآمد ارائه شده توسط مشتری بر اساس نامه اطلاع رسانی تحقق درآمد.
۴. هدف این بررسی متقاطع مقایسه تراکنش‌های اعتباری یا پرداخت با تحقق درآمد ارائه شده توسط مشتریان است.
۵. اگر تفاوت قابل توجهی وجود داشته باشد، بانک باید تفاوت را پیدا کند و تحقیقی را برای یافتن راه حلی برای تفاوت انجام دهد.
۶. اگر بر اساس نتایج نظارت مالی درآمد مشتری نسبت به مقادیر پیش‌بینی شده به صورت قابل توجهی کاهش داشت بایستی در مورد تغییر نسبت‌های تسهیم سود اقدام به عمل آورد.
۷. تصویب تغییر نسبت باید مورد توافق و تایید طرفین باشد و از قبل در قرارداد تامین مالی مورد بحث قرار گرفته باشد.
۸. بانک باید گزارش جریان نقدی را در طول دوره صورت‌های مالی تهیه شده توسط مشتری درخواست کند. صورت جریان وجوه نقد می‌تواند به صورت گزارش حسابرسی شده و غیر حسابرسی شده باشد.
۹. بانک باید الگوی درآمد مشتری را هر ماه برای یک دوره حسابداری با تجزیه و تحلیل سابقه درآمد مشتری مطالعه کند.
۱۰. الگوی درآمد توسط بانک برای محاسبه نیازهای سرمایه در گردش پیش‌بینی شده مشتری استفاده خواهد شد. دقت در محاسبه نیاز سرمایه در گردش مشتری بر سقفی که داده خواهد شد تاثیرگذار خواهد بود. ارائه سقف بسیار بالا خطر استفاده نامناسب از وجوه توسط مشتری را به همراه خواهد داشت، در حالی که ارائه سقف بسیار پایین، گسترش تجارت مشتری را تحت فشار قرار می‌دهد.
۱۱. در انجام تجزیه و تحلیل جریان نقدی، بانک باید به درآمد مشتری توجه کند.

۱۲. در محاسبه پیش بینی جریان نقدی، بانک و کمیته مالی باید به نوسانات جریان نقدی ورودی از جریان های نقدی تاریخی مشتری توجه کند.

۱۳. بانک باید اجزای جریان نقدی را تجزیه و تحلیل کند و تغییراتی را که می تواند بر جریان نقدی مشتری تاثیر داشته باشد پیش بینی کند.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

طبق مطالب بیان شده ساختار مالی ایران برای اجرای درست عملیات سیستم بانکی اسلامی نقایصی دارد که عبارتند از عدم استقلال بخش نظارتی (بانک مرکزی) و به تبع آن عدم وجود سیستم بانکی منضبط، کمبود در بخش زیرساخت اطلاعات و شفافیت، نقص در بخش حمایت از مصرف کننده و توسعه سرمایه انسانی. عمده مشکلات مطرح شده برای ساختار فعلی سیستم بانکی شامل صوری بودن برخی فعالیتها، ضعف در توزیع عادلانه منابع، ضعف در درک صحیح عقود، پرداخت سود علی الحساب و غیره نیز ناشی از این نقایص هستند و تا زمانی که این نقایص برطرف نشوند ارائه الگوهای تجهیز و تخصیص منابع کارساز نخواهد بود.

با شرط رفع نقایص ذکر شده، الگویی که برای تجهیز و تخصیص منابع پیشنهاد می شود بایستی پاسخگوی تمام نیازهای افراد سرمایه گذار و سرمایه پذیر باشد. به این ترتیب الگوهایی که در دو سر طیف قرار دارند و صرفاً بر عقود مبادله ای یا صرفاً بر عقود مشارکتی تکیه می کنند از آنجایی که توان پاسخ به تمام نیازهای افراد در جامعه را ندارند حتی در صورت عدم وجود نقص در ساختار مالی قادر به عملیاتی شدن نخواهند بود. برای مثال الگوهای مشارکتی تنها در حالتی قابلیت اجرا دارند که بنگاههایی که نیاز به منابع نقدی دارند، بانک را در کسب و کار خود شریک سازند، لذا این الگو پاسخگوی نیاز بنگاههایی که تمایلی به شراکت در کسب و کار خود را به هر دلیلی ندارند، نیست. از طرف دیگر الگوهای مبتنی بر عقود مبادله ای پاسخگوی نیاز افرادی که منابع مازاد دارند و در ازای تحمل ریسک تمایل به کسب بازدهی بیشتری دارند نمی باشند.

پس از برقراری الزامات مذکور راهحلی که در این پژوهش برای تجهیز و تخصیص منابع ارائه می شود روشی است که بر اساس حاکمیت شرکتی بنگاهها بنا شده و مشارکت طبقه بندی شده نام دارد. به این ترتیب که بانک برای تخصیص اعتبار می تواند با استفاده از عقود مبادله ای بخصوص عقد مرابحه و اجاره در طبقه ی بدهی شرکت های دارای طرح های اقتصادی مولد شرکت کند یا با استفاده از عقد مشارکت در طبقه حقوق صاحبان سهام بنگاهها شرکت داشته باشد.

در این الگو برای اجرای صحیح قرارداد مرابحه شرایطی برشمرده شده است که رعایت آن الزامی است. از مهم ترین این شروط مالکیت بانک بر داراییهایی است که طبق قرارداد به

تسهیلات‌گیرنده اعطا می‌شود. به بیان دیگر بانک به جای اعطای مستقیم وجه نقد مجموعه‌ای از کالاها یا خدمات را در اختیار مشتری قرار می‌دهد و در آینده مشتری مبلغ تمام شده به علاوه درصدی سود که با توجه به هزینه تامین مالی بانک مشخص می‌شود در اقساط معین بازپرداخت می‌کند.

قرارداد مشارکت در طبقه حقوق صاحبان سهام به این صورت است که بانک مجموعه‌ای از طرح‌های مولد اقتصادی از طرف بنگاه‌هایی که قبلاً مراحل اعتبارسنجی آن‌ها طی شده در دست دارد. این طرح‌های اقتصادی ممکن است به صورت پروژه‌های احداث واحدهای تولیدی یا خدماتی جدید یا طرح‌های توسعه‌ای و بهبودی بنگاه‌های فعال باشد. بانک پس از هم‌کاسه کردن طرح‌های مولد، جهت تجمیع منابع نقدی اقدام به انتشار گواهی مشارکت در سرمایه می‌کند. این گواهی‌ها با قیمت اسمی معین و در تاریخ مشخص منتشر شده و وجوه نقدی جمع‌آوری می‌شود. بانک با تخصیص وجوه به بنگاه‌های مختلف در مالکیت آن‌ها شریک می‌شود. چنانچه طرح به صورت پروژه احداثی باشد هر یک از طرفین به اندازه آورده نقدی در پروژه سهم دارند و چنانچه طرح اقتصادی مربوط به شرکت‌های فعال باشد بانک به اندازه‌ی نسبت آورده به خالص ارزش دارایی‌های آن شرکت سهم خواهد داشت.

در پایان هر سال مجموع سودهای به دست آمده از تمام طرح‌های در دست اجرا (با توجه به نسبت مالکیت بانک) پس از کسر حق وکاله بانک بین دارندگان گواهی به نسبت تعداد و زمان نگهداری تقسیم می‌شود. همچنین قیمت هر گواهی در پایان سال توسط ارزیاب مستقل مشخص می‌شود تا در صورتی که یک فرد تصمیم بر خروج از سرمایه‌گذاری داشت با فروش گواهی خود به بانک قادر به انجام این امر باشد. همچنین صدور واحدهای جدید توسط بانک به منظور جمع‌آوری دوباره وجوه برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید با آخرین قیمت مشخص شده توسط ارزیاب انجام می‌گیرد.

مشارکت در طبقه حقوق صاحبان سهام به دو نوع ثابت و کاهشی تقسیم می‌شود. در تامین مالی مشارکت ثابت، سهم سرمایه هر یک از شرکا طبق قرارداد تعیین می‌شود و مقدار آن تا پایان دوره قرارداد ثابت می‌ماند، در پایان دوره قرارداد بانک قول می‌دهد همه را به قیمت ارزش روز خالص دارایی‌ها بفروشد و سرمایه خود را به یکباره به مشتری می‌دهد و مشتری قول می‌دهد کل سرمایه بانک را به قیمت ارزش روز خالص دارایی‌ها بخرد. در تامین مالی مشارکت کاهشی مقدار سرمایه کاهش می‌یابد؛ یعنی، قسمت سرمایه بانک به صورت مرحله‌ای و سالانه (به صورت اقساطی) به مشتری (یا طرف دیگر) به ارزش روز خالص دارایی‌ها فروخته می‌شود تا سرمایه (مالکیت) بانک

به مرور زمان کاهش یابد و در زمان پایان دوره قرارداد، بانک دیگر مالک سرمایه در کسب و کار، پروژه یا دارایی نخواهد بود.

از آنجایی که قرارداد مشارکت در طبقه حقوق صاحبان سهام نسبت به مشارکت در طبقه بدهی از ریسک بالاتری برخوردار است، استانداردهایی به منظور کنترل ریسک قرارداد تدوین شده که شامل استاندارد سرمایه، استاندارد مدیریت، استاندارد تقسیم سود و زیان، استاندارد ضمانت و وثیقه، استانداردهای حل اختلاف، استاندارد پیاده‌سازی و استاندارد مدیریت ریسک است.

منابع

- ۱- اکبریان، رضا و استدلال، سارا (۱۳۸۷). بررسی سرمایه‌گذاری در نظام مشارکت در سود و زیان. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱، ۱.
- ۲- بیدآباد، بیژن (۱۳۹۴). طرح تفصیلی بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین (PLS). ویرایش پنجم.
- ۳- داودی، پرویز و بیدار، محمد (۱۳۹۰). بررسی الگوی تفکیک عقود در بانکداری اسلامی. فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۵.
- ۴- داودی، پرویز و صمصامی، حسین (۱۳۸۹). به سوی حذف ربا از نظام بانکی: از نظریه تا عمل. تهران: نشر دانایی.
- ۵- شعبانی، احمد و سیفالو، سجاد (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی بانکداری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید. فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۵.
- ۶- طالبی، محمد و کیائی، حسن (۱۳۹۱). ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات مالی اسلامی، ۲، ۲. صص ۳۷-۵۵.
- ۷- غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۷). نارسایی نظام بانکی در به کارگیری عقود اسلامی برای حمایت از تولید، فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۲۵.
- ۸- محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین؛ جلیلی، زهرا (۱۳۹۴). مشکلات بانکداری اسلامی در ایران با تجربه مالزی، فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۷.
- ۹- موسویان، سید عباس (۱۳۸۵). بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تاخیر تادیه در ایران. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۹.
- ۱۰- موسویان، سیدعباس؛ میثمی، حسین (۱۳۹۴). بررسی ساختار عملیاتی مطلوب بانکداری اسلامی (دلالت‌هایی در راستای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا). فصلنامه روند، ۲۲، ۷۲.
- ۱۱- موسویان، سیدعباس؛ میثمی، حسین (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی مبانی نظری - تجارب علمی. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ویرایش پنجم.
- 12- Ahmed, H. (2016). National and Global Islamic Financial Architecture: Problems and Possible Solutions for the OIC Member Countries
- 13- Askari, H., Iqbal, Z. & Mirakhor, Z. (2015). Introduction to Islamic Economics: Theory and Application. Singapore: Wiley.
- 14- Crockett, Andrew (2009), "Rebuilding the Financial Architecture: What needs to be done for strengthen financial regulation and supervision", Finance & Development, September 2009, 18-19
- 15- Habib, S, F. (2018). Fundamentals of Islamic Finance and Banking. WILEY

- 16- IFSB (2015), Islamic Financial Services Industry Stability Report 2015, Kuala Lumpur: Islamic Financial Services Board.
- 17- IMF (2015), "Factsheet, The Financial Sector Assessment Program (FSAP)", September 21, 2015.
- 18- Iqbal, Z. & Mirakhor, A. (2007). An introduction to Islamic finance, Theory and Practice, Singapore: John Wiley
- 19- MEGA (2016), Islamic Finance Outlook Report 2016, Middle East Global Advisors
- 20- Neinhaus, Volker (2015), "IFSB Working paper on Financial Consumer Protection in Islamic Finance", IFSB Working Paper Series WP-03, Kuala Lumpur: Islamic
- 21- Rochet, J. (2008) Liquidity regulation and the lender of last resort. In Paris: Banque de France. Financial Stability Review, Special Issue on Liquidity, No. 11, 45-51.
- 22- S&P Global. (2022). What are credit ratings and how do they work? Guide to Credit Rating Essentials
- 23- Werner, R, 2016, "A lost century in economics: Three theories of banking and the conclusive evidence", International Review of Financial Analysis, No. 46, P. 361-379.